



بنیاد اوقاف و امور خیریه فرانسه و نقش آن در توسعه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

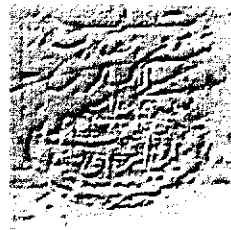
ترجمه و نگارش: حسن فرشتیان

و اجتماعی را می‌توان در این نکات جستجو کرد:
- رشد روزافزون فعالیت‌های کیفی و کمی این بنیاد؛ به عنوان نمونه در سال ۱۹۹۹، تحت نظارت قرار دادن ۵۰۳ بنیاد وقفی، توزیع بیش از ۴,۵۰۰ کمک هزینه یا بورس و سایر کمک‌ها، توزیع و صرف ۳۱۸ میلیون فرانک در امور خیریه؛

- جلب حس اعتماد همگانی به گونه‌ای که بیشتر افراد خیر ترجیح می‌دهند به گونه‌ای سرمایه‌های خویش را با این بنیاد مرتبط سازند و امور اموال خیریه را بدان بسپارند.
- فزونی یافتن امور خیریه و اوقاف در مغرب‌زمین و در آغاز هزاره سوم میلادی علی‌رغم غیردینی بودن جامعه و علی‌رغم مشکلات اقتصادی سال‌های اخیر؛ در سال ۱۹۹۹ شش صد هزار نفر اموالی را به صورت وقف یا هبه در اختیار بنیاد قرار دادند.

فرانسویان از دیرباز موقوفات و هدایای خویش را به کلیسا و نهادهای مذهبی می‌سپردند تا در امور خیریه مصرف شود. امروز نیز بنیادهای موقوفه کوچک و بزرگ بسیاری در این کشور سرگرم امداد و همیاری به هم‌نوعان هستند. سی سال پیش برای سامان دادن به اوقاف و امور خیریه و برای استفاده بهینه از تلاش‌های پراکنده و فردی نیکوکاران و خیرین، بنیاد اوقاف و امور خیریه فرانسه* تشکیل شد!

به تعبیر فرانسویان این بنیاد هم‌اکنون در آغاز دوران جوانی و بالندگی خویش به سر می‌برد. این بنیاد نقش هدایت‌کننده و جهت‌دهنده بنیادهای خیریه و موقوفات را عهده‌دار است. در این نوشتار ما آن را با نام مختصر «بنیاد» ذکر می‌کنیم، و در میان همه بنیادهای وقفی و خیریه فرانسه نقش این بنیاد را که نقشی محوری است مورد بررسی قرار می‌دهیم. اهمیت نقش این بنیاد در توسعه سیاسی، فرهنگی



به همین دلایل، مطالعه و بررسی حقوقی اجتماعی این پدیده کاملاً ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. بررسی همه ابعاد حقوقی، فرهنگی و اجتماعی این بنیاد و دلایل موفقیت چشمگیر آن در توان و ظرفیت این مقال نمی‌گنجد. در این مجال کوشش می‌شود تا شمایی کلی از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی این بنیاد و نمادی از ساختار برنامه‌های آن آرایه شود. برای پرهیز از اطاله نوشتار به سرفصل‌های مهم فعالیت بنیاد بسنده می‌شود و از ورود در بخش‌های ریز فعالیت‌ها و ارقام مربوطه خودداری می‌شود. جهت آرایه نمودار ارقامی فعالیت‌ها فقط به ارقام و اعداد آخرین گزارش سالانه آن اشاره می‌شود.

از جهت ساختاری بخشی از فعالیت‌های بنیاد به شکل طرح و برنامه مستقل است و برخی دیگر در رابطه با بنیادهایی است که به عنوان زیرمجموعه این بنیاد، خود را تحت مدیریت این بنیاد قرار می‌دهند، زیرا در بسیاری از موارد واقفین و نکوکاران ترجیح می‌دهند به جای آنکه خود را درگیر ضوابط پیچیده اداری و اجرایی بنیاد خویش نمایند، مستقیماً سازمان خیریه و یا موقوفه خویش را تحت مدیریت بنیاد قرار دهند.

خواهیم دید که یکی از رموز موفقیت این بنیاد، «به روز بودن» آن است. بنیاد فراتر از چهارچوب‌های سنتی امور خیریه حرکت کرده و فقط به شستن قبرهای مردگان و آبادانی قبرستان‌ها و روشن کردن شمع در کلیساها اکتفا نکرده است؛ بلکه به میان مردم رفته و طرح و برنامه‌های خویش را براساس نیاز جامعه انتخاب کرده است. کارکرد بنیاد براساس پرهیز از گداپرووری بوده، و به جای «ماهی دادن» به گرسنگان، «ماهی گرفتن» را به آنان می‌آموزاند. در هر بخش طرح‌های چندساله دارد و این طرح‌ها با برپایی یک سمینار و جمع‌بندی به پایان می‌رسد و بنیاد طرحی جدید را آغاز می‌کند.

بنیاد پروژه‌ها را با دقت تمام در کمیته متخصصان بررسی می‌کند و آنها را اولویت‌بندی می‌کند. هفده کمیته مسؤول اظهار نظر در مورد پروژه‌های پیشنهادی و مسؤول ارائه طرح‌های مناسب یا اهداف بنیاد هستند. عمده‌ترین فعالیت‌های بنیاد در محورهای پنج‌گانه ذیل خلاصه می‌شود: امداد و تعاون اجتماعی، بهداشت و سلامت همگانی، تحقیقات پزشکی و علمی، محیط زیست و امور

فرهنگی.

بیشترین حجم فعالیت‌های کیفی بنیاد در بخش امداد رسانی و کمک‌های دایمی و یا مقطعی متمرکز می‌شود. فعالیت‌های این بخش به این زیرگروه‌ها تقسیم می‌شود:

کمک به اجتماعی زیستن

در سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۳ میلادی، بنیاد سیاست خود را حول محور کمک به استخدام و کاریابی متمرکز کرد. در این راستا کمک‌هایی را به شرکت‌ها و نهادهایی اختصاص داد که جوانان دارای مشکلات اجتماعی را استخدام نمایند. یارانه‌هایی به جوانانی تعلق گرفت که با خلایق و به ابتکار شخصی، شرکت‌های کوچکی را ایجاد کنند. سال ۱۹۸۲ به سازماندهی سمینارهایی در رابطه با تحقیقات صنعتی و استفاده از ابزار میکروفیلیم در استخدام جوانان مشکل‌دار پرداخت. سپس برنامه‌هایی برای بازپروری جوانان نسل سوم مهاجران که دارای مشکلات اجتماعی بودند اختصاص داد. سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸ تلاش شد تا مطرودین از جامعه یا برنامه‌های علمی و عملی به اجتماع بازگردانده شوند. در این راستا به جوانان داوطلب امکان داده شد تا در محله‌های خود با تشکیل گروه‌های فرهنگی، هنری و امدادی به قشرهای آسیب‌پذیر اخلاقی که در معرض خطرات بیشتری هستند (مثل جوانان، زنان مهاجر و نوجوانان مناطق روستایی) کمک شود. کمک به زندانیان در زندان از طریق آموزش و کمک‌های روانی و معنوی به خانواده‌های آنان، و کمک به اشتغال و کاریابی آنان پس از آزادی از زندان، از اولویت‌های برنامه‌های این ایام بود. مراکزی جهت اسکان موقت و بازپروری فوری افراد آسیب‌دیده روحی (مثل خانواده‌های بی‌خانمان، زنان کتک‌خورده و نوجوانان از منزل اخراج‌شده) فراهم شد. در این مکان‌ها این افراد تحت آموزش‌های اجتماعی قرار می‌گرفتند. به آنان کمک می‌شد تا شخصیت خویش را بازیابند و با تکیه بر توانایی‌های فردی خویش وارد زندگی اجتماعی شوند. حتی به هنگام اجاره منزل شخص، بنیاد آنان را ضمانت می‌کرد تا اعتماد صاحب‌خانه‌ها جلب شود. در سال ۱۹۸۵ کمک‌های مالی به ۱۴۰ شرکت کوچک معادل ۱۸ میلیون فرانک پرداخت شد تا این شرکت‌ها





سال ۱۹۸۲ در یک برنامه سراسری توجه مسئولین به فراهم نمودن امکانات عمومی برای سالمندان جلب شد. در همین راستا با انتشار بروشورهایی در مورد «چگونگی راه‌اندازی شبکه‌های حمل و نقل عمومی در مناطق روستایی»، حساسیت‌های لازم در جامعه برای اصلاحات مورد نظر در جهت آسایش زندگی سالمندان فراهم شد. در همین زمینه سمیناری با کمک وزارت حمل و نقل برپا شد. آموزش‌هایی به سالمندان برای اداره انجمن‌ها و برای فعالیت‌های داوطلبانه داده شد، سالمندان طی یک دوره آموزشی به حقوق خویش واقف می‌شدند و خدمات و سرویس‌هایی که باید به آنان داده شود به آگاهی‌شان رسانیده می‌شد.

محل‌هایی جهت اسکان موقت سالمندان فراهم شد. این مسکن‌های موقت محل پذیرایی سالمندانی بود که پس از وقوع حادثه‌ای به دلایل جسمی یا روحی نمی‌توانستند به منزل خویش بازگردند.

بنیاد تلاش نمود تا با ایجاد تسهیلات مادی، خانواده و اقوام سالمندان را تشویق کند تا آنان عضو سالمند خانواده را نیز در میان خویش نگاه دارند، به همّت بنیاد، سمیناری در سال ۱۹۸۷ در یونسکو با عنوان «نقش خانواده در نگهداری سالمندان» برگزار شد و سال بعد کتابی را با نام «پذیرش یک سالمند» جهت تشویق و ارایه راه‌حل برای نگاهداری سالمندان منتشر کرد. در همین سال‌ها بنیاد به دو نوع انجمن‌های خانواده سالمندان کمک می‌کرد. نوع اول کمک به انجمن‌هایی بود که تلاش می‌کردند تا خانواده و بستگان سالمندی را نگاه دارند و نوع دوم عبارت بود از انجمن‌هایی که تلاش می‌کردند تا خانواده‌هایی را برای پذیرش سالمندان پیدا کنند.

با توجه به نگرانی‌هایی که از هم‌اکنون در مورد مشکلات مربوط به امکانات زندگی در رابطه با سالمند شدن ساکنان قاره اروپا در سال‌های آینده مطرح می‌شود، بنیاد در سال ۱۹۸۸ در طرح مطالعه «سالمندی در اروپا در آستانه سال ۲۰۲۵»، مشارکت مالی نمود. سال ۱۹۹۰ سمینار ملی با عنوان «سن بالا» برای بحث و تبادل تجربیات پیرامون بهینه ساختن وضع زندگی سالمندان تشکیل شد.

تلاش‌های بعدی بنیاد معطوف به ایجاد ساختمان‌هایی شبیه خوابگاه‌های مستقل بود که سالمندان بتوانند در کنار

بتوانند طی یک برنامه سه تا پنج ساله به سوددهی رسیده و این وام‌ها را بازپرداخت نمایند.

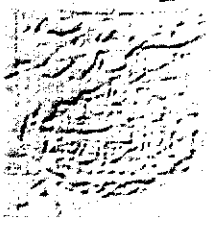
سال ۱۹۹۴ برنامه‌هایی با عناوین «مسکن برای همه» و «همکاری بین همسایگان» در جهت بهبود وضع اسکان مناطق کم‌درآمد و جهت ایجاد حس تعاون و همکاری میان ساکنان مجتمع‌های مسکونی و همسایگان‌شان تدارک شد.

سال ۱۹۹۹ توجه بسیاری به ساخت مسکن‌هایی برای پذیرش بی‌خانمان‌ها شد. بیش از ۵ میلیون فرانک بودجه صرف این مهم شد و با اجرای ۸۵ پروژه، وضعیت اسکان این قشر بهبود نسبی یافت. در همین سال برنامه «همکاری شهروندان» با بودجه هفت میلیون فرانکی برای همکاری شهروندان و احساس مسئولیت نمودن آنان در برابر مشکل افراد حاشیه‌نشین اجرا شد. در این برنامه کمک‌های فردی شهروندان با کمک مالی و ستادی بنیاد درهم آمیخته شد و بنیاد از فعالیت‌های فردی و گروهی در این زمینه حمایت نمود. در ماه اکتبر در شهر تور (TOURS) فرانسه نشستی بین مردم و دست‌اندرکاران تهیه مسکن برای بی‌خانمان‌ها برگزار شد. در این نشست حاضرین ضمن تبادل اطلاعات با تجربیات یکدیگر آشنا شدند. سال ۲۰۰۰ پروژه ایجاد مسکن در جهت اسکان افراد بی‌خانمان ادامه یافت.

امدادرسانی به سالمندان

در ابتدای شروع به فعالیت بنیاد، برنامه آن برای کمک به سالمندان به شکل موردی و مقطعی بود. سال ۱۹۷۴ به استکار مدیر روزنامه اکو (ECHOS) برای کمک به طرح‌های مربوط به سالمندان مبلغ ۲۴۶ هزار فرانک از طریق کمک‌های مردمی جمع‌آوری شد، سال بعد طی روزهای ۲۲ تا ۲۵ اکتبر ۱۲ میلیون فرانک جمع شد. این مبالغ برای خریدن رادیو و تلویزیون، آبنمان مجلات مختلف، اتصال خطوط تلفن، و سایر تجهیزات کلوب‌ها و خانه‌های سالمندان اختصاص یافت. یکی از فعالیت‌های مهم این مقطع، تجهیز و راه‌اندازی شبکه‌های زنگ اخبار و وضعیت فرمز نزد سالمندان بود. با اتصال این شبکه‌ها سالمندان به مجرد احساس کوچکتزین نارسااحتی تحت مداوا و مراقبت‌های لازم و فوری قرار می‌گرفتند. خطوط تلفنی نیز برای برقراری دوستی میان سالمندانی که از تنهایی رنج می‌بردند، برقرار شد.





یکدیگر ولی به صورت مستقل زندگی کنند این آپارتمان‌های کوچک نه آن بی‌روحی و سردی آسایشگاه‌های سالمندان را داشت و نه باعث تنهایی و انزوای آنان می‌شد؛ بلکه هم امکان دسترسی سریع برای ارائه خدمات به آنان را فراهم می‌ساخت و هم امکان ایجاد ارتباط با دیگران را فراهم می‌کرد.

از سال ۱۹۹۲ شبکه‌ای از متخصصان مسایل سالمندی جهت مطالعه و تبادل اطلاعات و تجربیات ایجاد شد. از همین سال، سومین هفته ماه اکتبر «هفته آبی» نامگذاری شد و همه ساله در این هفته روحیه تعاون و مشارکت میان نسل‌ها و سنین مختلف تقویت می‌شود.

سال ۱۹۹۴ برنامه‌ای با عنوان «نزد خود سالمند شوید» اجرا شد. در این برنامه تلاش شد تا نیازهای مربوط به منازل سالمندان برآورده و تسهیلات لازم برای ادامه سکونت آنان در منازلشان و کوچ نکردن آنان به خانه‌های سالمندان فراهم شود. طرح دیگری با عنوان «سالمند شوید مثل اینکه نزد خودتان هستید» اجرا شد در این طرح تلاش شد تا با فراهم کردن منازل جمعی و گروهی سالمندان، از مشکلات معیشتی و روحی آنان کاسته شود.

سال ۱۹۸۸ پروژه‌ای با شعار «سرافراز سالمند شوید» برای سالمندان اجرا شد تا اینان دوران سالمندی خود را با افتخار و مغرورانه به سر برند. سال ۱۹۹۹ «سال بین‌المللی سالمندان» بود لذا فعالیت بنیاد در این زمینه تشدید یافت. در سپتامبر این سال بنیاد سمینار دو روزه‌ای با عنوان «خوب مسن شدن در شهر خویش» در شهر دیژون (DIJON) فرانسه برپا کرد. در این سمینار نمایندگان ۴۰ شهر (از بیش از ۳۰ کشور) شرکت داشتند و در رابطه با ارتباط شهرها و شهرداری‌ها و نهادهای محلی با سالمندان و مسایل مخصوص آنان به بحث و تبادل تجربیات پرداختند. شورای اتحادیه اروپا در بروکسل از این برنامه‌ها حمایت کرد. در مراسم «هفته آبی» همین سال، مسابقات ورزشی میان سه نسل متفاوت با نام «۱، ۲، ۳» نسل‌ها برگزار شد. از سال ۱۹۹۸ تا سال ۲۰۰۰ برنامه‌ای با نام «سرویس خانگی، ارتباط اجتماعی، همکاری طبیعی و اشتغال» در جهت بهبود وضعیت افراد مسن اجرا شد. هدف این برنامه وادار کردن این افراد به تحرک و ارتباط با دیگران بود. در همین برنامه تمهیداتی برای همراهی کردن افراد مسن تدارک دیده

شد تا این افراد به کمک یک فرد «همراه» که از محله او یا از میان نزدیکانش انتخاب شده بود از گوشه تنهایی به درآمده و با اجتماع رابطه بیشتری ایجاد کنند. این همراهان گاهی نوجوانانی در جستجوی کار هستند و برخی نیز داوطلبانه مبادرت به همراهی و مددکاری سالمندان می‌کنند. سال ۲۰۰۰ ضمن پیگیری پروژه‌های سابق، طرحی در زمینه بهبود مراقبت‌های شبانه از افراد مسن به اجرا درآمد.

فعالیت‌های جوانان

«بنیاد» در سال ۱۹۷۷ بخشی از تلاش‌هایش را به برنامه‌های «جوانان و کودکان» اختصاص داد ولی به دلیل حجم و گستردگی کار و به دلیل تفاوت‌های ماهیتی برنامه‌های جوانان و برنامه‌های کودکان، این بخش یک سال بعد به دو بخش «کودکان» و «جوانان» تقسیم شد.

بخش جوانان در دهه نود میلادی فعالیت‌های خویش را بر دادن بورس به جوانان متمرکز ساخت تا آنان به خودکفایی و استقلال مالی دست یابند. کمک‌هزینه‌های سفر نیز در اختیار آنان قرار گرفت تا بدین وسیله ضمن آشنایی با سایر ملت‌ها و سایر آداب و رسوم، روحیه تساهل و مدارا با دیگران در آنان تقویت شود و در جریان سفر بتوانند با مسایل فرهنگی، جغرافیایی، ورزشی و انسانی جدید آشنا شوند. به جوانانی که طرح‌های اجتماعی و انسانی داشتند، بورس‌هایی داده شد تا طرح‌هایشان را اجرا کنند. مخصوصاً بورس‌هایی جهت پروژه‌های فعالیت‌های بشردوستانه در کشورهای جهان سوم در اختیار جوانان قرار گرفت. مسابقه‌ای در زمینه مطلوب کردن مکان‌های تفریحی مدرسه و خارج از مدرسه، در سطح ملی بین دانش‌آموزان برگزار شد و به ۱۱۰ پروژه برتر امکاناتی حداکثر تا ۱۵ هزار فوانک داده شد.

کودکان

در آغاز، برنامه‌هایی جهت نگاهداری کودکان خردسال در مهدکودک و محل‌های مشابه تدارک دیده شد. دویست و پنجاه محل برای پذیرش و نگاهداری اطفال آماده شد. سال ۱۹۸۵ سمیناری در یونسکو توسط بنیاد در این زمینه برگزار شد. از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ طرح «خانه‌های سبز» برای فراهم نمودن ملاقات بچه‌ها با هم اجرا شد. بچه‌ها همراه با





انجام پذیرفت.

سال ۱۹۹۹ بیش از ۱۰ میلیون فرانک بودجه در رابطه با این بخش هزینه شد. پروژه «خانواده‌های دارای مشکلات بزرگ روانی» برای اولین بار در سطح وسیعی اجرا شد. در مورد جلوگیری از خشونت در خانواده، دوسوم فعالیت‌های بنیاد پیشگیری و مراقبت از ایجاد چنین فضایی بود. بنیاد ابتدا در پاریس و سپس در شهرهای دیگر موزه و نمایشگاهی با عنوان «سکوت، خشونت» برپا کرد و مخاطب برخی این نمایشگاه‌ها، کودکان خردسال بودند تا به شکل غیرمستقیم، تحت آموزش‌های ضد خشونت قرار گیرند. در این سال بیش از ۱,۳۰۰ کودک آموزش مستقیم دیدند و در این زمینه شش کتاب داستانی منتشر شد، و بیش از ۱۰ هزار نسخه آن به فروش رفت. در سال ۲۰۰۰ مسابقه‌ای بین‌المللی برای مدارس در رابطه با خشونت برگزار شد و هدف از آن ایجاد حساسیت بین بچه‌ها در مورد این موضوع بود. بنیاد به پروژه‌هایی که جهت رفع خشونت در شهرک‌ها و محله‌های حساس انجام می‌گرفت، کمک‌های بسیار کرد و در برخی موارد حتی تا ۱۰۰٪ هزینه را تأمین کرد. در سال ۱۹۹۹ بنیاد ۲۱ پروژه در رابطه با ایتم اجرا کرد، منزلی جهت اسکان بچه‌های آواره ساخت و بورس‌هایی به بچه‌های یتیم اختصاص داد.

والدین یا یکی از بستگان خویش به این خانه‌ها می‌آیند تا ضمن ملاقات با هم‌سالان خویش، اولین تجربه‌های زندگی در اجتماع و در محیطی غیر از خانه را بیاموزند. در سال ۱۹۸۹ با سمیناری در یونسکو این طرح خاتمه یافت.

یکی از فعالیت‌های مهم بنیاد، کمک به بهبود وضع تفریحات کودکان بود. در سال ۱۹۷۹ بنیاد در چهارچوب سال بین‌المللی بچه‌ها سمیناری با عنوان «تجربه وقت آزاد بچه‌ها» برپا کرد. پس از آن با حمایت‌های مالی تجهیزات تفریحی را برای محل‌های تفریحی و آموزشی کودکان فراهم نمود و در همین ایام، بنیاد از طرح «تعطیلات با کیفیت برای همه» که گامی در جهت تعمیم و همگانی کردن امکانات تفریحی و مسافرتی بود حمایت کرد.

اهتمام به بازی و سرگرمی کودکان موجب شد که بنیاد، سمیناری در شهر تور فرانسه به سال ۱۹۷۹ با عنوان «بچه‌های جهان روستایی» برگزار کرد و در پی آن، مسابقه‌ای در سطح کشور با عنوان «بچه‌ها، شهر، روستا» انجام گرفت. در سال ۱۹۸۷ با همکاری مجلات بچه‌ها، مسابقه‌ای برگزار نمود و در ایجاد ۲۵۰ مرکز تفریحات کودکان در فضای آزاد حمایت کرد. این برنامه در سال ۱۹۹۰ با یک ملاقات و نشست در سطح ملی و چهار نشست در سطح منطقه‌ای و با انتشار یک کتاب خاتمه یافت.

از برنامه‌هایی که هم‌اکنون نیز ادامه دارد می‌توان از ایجاد بخش‌هایی جهت ارائه خدمات کمک‌آموزشی به بچه‌ها در جهت کمک به زنان بی‌سرپرست و کمک به حل مشکلات خانوادگی و مناقشات روانی میان فرزندان و والدین نام برد. با توجه به آمار بالای طلاق و مشکلاتی که ملاقات میان فرزندان و والدین جداشده ایجاد می‌کند، محل‌هایی ساخته شد تا به‌سان یک مرکز اقامتی امکان ملاقات والدین جداشده با فرزندانشان را در محیطی به دور از اغتشاشات و شلوغی‌های خانوادگی فراهم سازد.

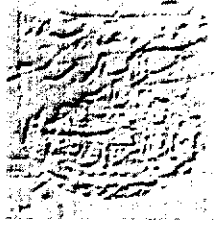
سال ۱۹۹۲ تلاش شد تا انجمن‌های «کمک به بچه‌های مورد اذیت و آزار قرار گرفته» گسترش کمی و کیفی بنمایند. در همین سال‌ها مکان‌هایی ساخته شد تا این‌گونه بچه‌ها را به‌طور موقت بسدیرند. سال ۱۹۹۴ با استمداد از متخصصان، برنامه‌هایی برای آموزش خانواده در جلوگیری از خشونت و برای مساعدتر ساختن جو خانواده‌ها تدارک دیده شد، در این زمینه تلاش گسترده‌ای نیز در سال‌های بعد

معلولان

یکی از دل‌مشغولی‌های مهم بنیاد، رسیدگی به معلولین است. سال ۱۹۷۰ این برنامه با طرح «پایون سفید» آغاز شد. در این طرح که به نوعی از کمک‌های همگانی استمداد گرفته می‌شد با فروش پایون‌های سفید اعانه‌هایی برای حمایت از جوانان عقب‌مانده ذهنی جمع‌آوری شد. در دسامبر همین سال برنامه «بسیج قلب‌ها» در جهت کمک به اطفال معلول به اجرا درآمد. این اعانه‌ها برای کمک به وضع زیستی معلولان به کار گرفته شد. تجهیزاتی از قبیل سمعک و کمک به دستگاه شنوایی در اختیار آنان قرار گرفت. سرویس‌های بهداشتی مجتمع‌های مسکونی معلولان جسمانی به شکلی منطبق با نیازهای آنان ساخته شد. سال ۱۹۷۵ سال خاتمه یافتن این طرح و ارائه بیان کار بود.

در سال‌های بعد با برنامه «زندگی به گونه‌ای دیگر» این خدمات در اختیار معلولین قرار گرفت. در اختیار قرار دادن





محل سکونت معلولان برای قابل دسترس نمودن ساختمان برای آنها، پذیرش و دادن خدمات اجتماعی و پزشکی به معلولان از مهمترین برنامه‌های این سال بود. «تلاش برای ورود آسان به زندگی بزرگسالی» کودکان معلول را از جهت روانی و جسمانی آماده می‌سازد تا آسان‌تر وارد زندگی اجتماعی بزرگسالان شوند و هم مشکلات ویژه خویش را در زندگی بزرگسالی بشناسند و راه‌حل‌های کنار آمدن با این مشکلات را بیاموزند.

امداد بین‌الملل و خدمات اورژانس در جهان

سوم

آغاز فعالیت‌های بنیاد در کشورهای جهان سوم، سال ۱۹۷۸ بود. در این سال بنیاد در عملیات «ساحل» به قحطی‌زدگان ناشی از خشکسالی نیجر و موریتانی و سنگال کمک کرد. سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۴ کمک به توسعه روستایی در سرلوحه فعالیت‌های این بخش قرار گرفت و تجهیزات و ابزار کار روستاییان در اختیارشان قرار داده شد و با آموزش فنون کشاورزی و صنایع دستی تلاش شد تا روستاییان، خود توسعه خویش را به دست گیرند. به ساختن مدارس ابتدایی در روستاها، و نیز به کارگران مهاجر خارجی کمک شد تا آنان به کشورهای خویش بازگردند.

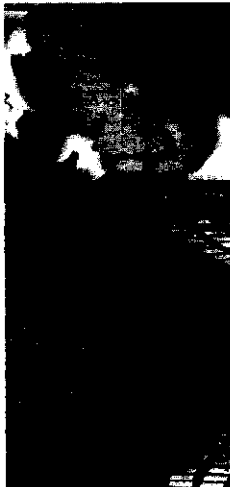
به جای صدور فن‌آوری غرب به کشورهای جهان سوم، تلاش شد تا فن‌آوری بومی براساس نیازها و توانایی‌های منطقه‌ای و محلی توسعه یابد. آموزش‌های بهداشتی مثل پرستاری و رعایت بهداشت توسعه یافت. حساسیت خانواده‌ها و مخصوصاً مادران نسبت به بهداشت و سلامت کودکان جلب گردید. مدارس شبانه‌روزی و مهدکودک ساخته شد. کمک به بازسازی شهر زلزله‌زده پازنیسا در گواتمالا، آموزش و سوادآموزی در اردوگاه مهاجران آسیای جنوب شرقی در تایلند و برای جوانان مهاجر در فرانسه. کمک به قربانیان خشک‌سالی در دره رودخانه سنگال و در بخشی از ماداگاسکار که قربانی مدیریت بد اقتصادی شده بودند از برنامه‌های این دوره محسوب می‌شود.

بعدها سیاست بنیاد بر همکاری متقابل با انجمن‌ها و گروه‌های محلی شکل گرفت. در سنگال ۱۳۰ روستای دره رودخانه، انجمن تعاون درست کردند و در ماداگاسکار نیز بنیاد با همکاری انجمن‌های محلی در زمینه بازیابی منابع

شخص همراه و مددکار، کمک به تأسیس آپارتمان‌های میانه که نقش واسطه‌ای دارند و به بیماران ذهنی کمک می‌کنند تا پس از خروج از بیمارستان‌های روانی و قبل از بازگشت به منزل، خوشتن را با شرایط زندگی جدید منطبق سازند، کمک به دستیابی معلولین به سرویس‌های تفریحی و فرهنگی و آموزشی، کمک به شغل‌یابی مناسب برای آنان (به عنوان مثال اشتغال نایینا به عنوان تلفن‌چی)، کمک به حضور و بهره‌وری آنان از فنون پیشرفته و رایانه، توزیع بورس از ۱۰ هزار تا ۲۵ هزار برای کمک به پروژه‌های شخصی معلولین.

سال‌های دهه نود به امور فرهنگی معلولین توجه ویژه‌ای شد. انتشار راهنمای پاریس با توجه به نیازها و امکانات قابل دسترسی برای معلولین، کمک به نشر کتب ویژه نایینان نمونه‌ای از این برنامه‌ها بود. شرکت در سمینار «معلولیت، مطالعه و کتابخانه» در دانشگاه پاریس دهم، شرکت در کمیسیون معلولین به هنگام بنای کتابخانه ملی فرانسه، شرکت در کمیسیون بنای محل‌های آموزشی و منطبق کردن آن با نیازهای معلولین از قبیل سیستم صوتی برای کم‌شنوایان و دسترسی به صندلی چرخدار، حمایت از طرح‌هایی که موزه‌ها را برای همگان قابل دسترسی می‌نماید، همکاری با سازمان میراث ملی برای قابل دسترس کردن تمام بناهای ملی، نمونه‌ای از این فعالیت‌هاست. به همین دلیل بنیاد، اولین سمینار بین‌المللی «موزه و معلولان» را در سال ۱۹۸۸ در یونسکو با حمایت جامعه اروپا و موزه فرانسه برگزار کرد. در این نشست ۲۵۰ متخصص امور موزه و معلولین و سایر متخصصان حضور داشتند، نتیجه سخنرانی‌های سمینار نیز منتشر شد.

برای بررسی کلی مشکلات معلولان به هنگام سالمندی و ارایه راه‌حل، گروه مطالعاتی در زمینه «معلولان و سالمندی» تشکیل شد. در همین زمینه با گروه خبرگان «ماستریخت» مشارکت و همکاری شد. از گروه متخصصان بین‌المللی برای شرکت در سمینار مربوطه استقبال گردید. وسایل حمل و نقل عمومی با ایجاد تغییرات مناسبی برای همگان قابل دسترس شد و افرادی به عنوان همراه در اختیار ناشنوایان و نایینان قرار داده شدند. بودجه سال ۱۹۹۹ در این بخش حدود شش میلیون فرانک بود. ایجاد شبکه‌هایی برای کمک‌های محلی به معلولان، نوسازی ساختمان‌های





بهداشت و سلامت همگانی

شد. در پی جاری شدن سیل در جنوب فرانسه، بودجه‌ای یک میلیون و دویست هزار فرانکی برای کمک به سیل‌زدگان اختصاص داده شد.

توجه «بنیاد» به امدادهای بهداشتی و درمانی از سال ۱۹۷۰ آغاز شد. کمک به بیمارستان‌ها یکی از فعالیت‌های مهم بنیاد بود. «بنیاد» از طریق «بنیاد مبارزه با بیماری لوسمی» با طرح «خانه والدین» همکاری نمود. این طرح در سال ۱۹۸۵ با افتتاح اولین «خانه والدین» در بیمارستان سن‌لویی پاریس افتتاح شد. هدف از اجرای این طرح، ساختن محل‌هایی برای اسکان والدین اطفال بستری‌شده در بیمارستان بود تا با امکان اقامت والدین در نزدیک فرزندان بیمارشان کمکی روحی و عاطفی برای والدین و اطفالشان ایجاد شود.

از سال ۱۹۸۷ با مشارکت مالی در تهیه و پخش فیلم‌های آموزشی تلاش شد تا کودکان با برخی بیماری‌ها و راه‌های پیشگیری و علاج آن آگاه شوند (به عنوان نمونه مشارکت مالی در تهیه فیلم «ژولی شش‌ساله»). بنیاد در تهیه و توزیع اقلام فرهنگی برای کودکان بستری‌شده گام‌های اساسی برداشت. در فرانسه انجمنی با نام «انجمن لیخند پزشکان» وجود دارد که با تهیه برنامه‌های شاد و کمدی و حتی با آوردن دلقک در بخش اطفال بیمارستان تلاش می‌کند تا محیط خشک و جدی بیمارستان‌ها را برای کودکان قابل تحمل سازد. بنیاد با اختصاص کمک‌هایی به این انجمن، تسهیلاتی برای فعالیت آن فراهم ساخت. علاوه بر این، به سایر انجمن‌هایی که داوطلبانه عهده‌دار فعالیت‌های آموزشی و تفریحی برای کودکان بستری‌شده بودند نیز کمک شد.

با آمدن فن‌آوری‌های نوین و شبکه‌های رایانه‌ای از سال ۱۹۸۸ بنیاد با راه‌اندازی شبکه‌های داخلی در بخش اطفال، هم‌امکان اطلاع‌رسانی و آموزش کودکان بیمارستانی را فراهم ساخت و هم‌اوقات فراغت آنان را با بازی‌های کامپیوتری پر کرد.

در پی گسترش و شیوع بیماری ایدز، بنیاد از سال ۱۹۸۹ به انجمن‌هایی که در جهت اسکان و پذیرش بیماران مبتلا به ایدز فعالیت می‌کنند، کمک‌های شایانی کرد. از سال

طبیعی (آب، خاک، انرژی)، تولید (ماهگیری و تعاونی‌های کوچک صنعتی)، فن‌آوری مطابق شرایط بومی، آموزش (سوادآموزی) و بهداشت فعالیت کرد. در فیلیپین و سنگال نیز به وسیله وام و اعتبارات به مدد کشاورزان برخاست.

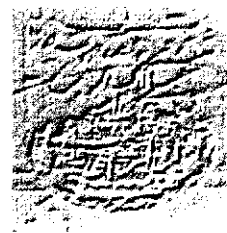
شناسایی و اسکان و بازپروری بچه‌های خیابانی (در شهرهایی مثل سن‌لویی، ماداگاسکار و شهرهای مراکش) بخشی دیگر از فعالیت‌های بنیاد است.

سازماندهی انتقال تجربیات از شمال به جنوب و سازماندهی ملاقات میان ۱۵۰ مسؤول شرکت‌های تعاونی ۵۵ کشور از پنج قاره از دیگر زمینه‌های فعالیت بنیاد است که منجر به همکاری سازمان‌های غیردولتی (NGO) جنوب و شمال شد.

برخی از کمک‌های بنیاد در وضعیت اضطراری عبارت است از حمایت از آسیب‌دیدگان کلمبیایی در پی غرق شدن آرمر (ARMERO) در سال ۱۹۸۵ و حمایت و امداد از کشورهای ساحلی در پی تهاجم ویران‌گرانه ملخ‌های مهاجم در سال ۱۹۸۶، حمایت از کردهای عراقی قربانی جنگ در سال ۱۹۹۰، کمک به آسیب‌دیدگان طوفان بنگلادش در سال ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲، کمک به پناهندگان عشایر و نیمه‌عشایر سومالی در شمال شرقی کنیا در ۱۹۹۲ و کمک به پناهندگان نیامی نیجر در سال ۱۹۹۲.

کمک‌های اضطراری در اروپا نیز صورت پذیرفته است؛ مثل کمک به مردم رومانی در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۲ و کمک به کشورهای یوگسلاوی سابق در سال ۱۹۹۲ و پس از آن. در داخل فرانسه نیز در مواردی به آسیب‌دیدگان از سیل کمک‌هایی شده است. بودجه سال ۱۹۹۹ در این بخش بیش از سه و نیم میلیون فرانک بود. تلاش شد این بودجه با همکاری ارگان‌های محلی مصرف شود و همکاری نزدیکی با سازمان‌های غیردولتی (NGO) برقرار شد. امروزه بیش از ۵۰ میلیون انسان در جهان مجبور به مهاجرت شده‌اند و ۶۰٪ آنان کودکان و خردسالان هستند. در این سال طرحی برای استحکام پیوندهای خانوادگی میان اعضای خانواده‌های کشورهای جهان سوم اجرا شد. بودجه‌ای پنج میلیون فرانکی برای کمک به خانواده‌های مهاجرین و آسیب‌دیدگان از جنگ بالکان اختصاص داده شد. در آمریکای لاتین، خانه‌های مسکونی همگانی ساخته شد و نسبت به امنیت بهداشتی و خوراکی آنان طرح‌هایی اجرا





۱۹۹۲ با چهار انجمنی که در زمینه رفع نیازهای بیماران مبتلا به ایدز فعال هستند، همکاری مستقیم کرد. در همین سال به بیماران علاج‌ناپذیر و صعب‌العلاج توجه ویژه‌ای شد و تلاش گردید تا با روش‌های علمی، دردهای روحی آنان و خانواده‌هایشان تسکین یابد. کمک به افراد بی‌خانمان برای دسترسی به دارو و درمان از برنامه‌های بنیاد در سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸ بود. سال ۱۹۹۰ طرحی تحقیقاتی بر روی جوانان مشکل‌دار (بستری‌شده یا جوانانی که مبادرت به خودکشی کرده بودند) انجام شد. هدف این پروژه، یافتن راهکارهای مناسب برای پاسخگویی به نیازهای جوانان و حل مشکلات آنان بود. دو سال بعد این پروژه تکمیل و واحدهای پزشکی و روان‌پزشکی در بیمارستان‌ها تأسیس شد. این واحدها افراد مشکل‌دار را تحت مراقبت‌های ویژه روانی قرار می‌دادند. در سال ۱۹۹۲ برای رسیدگی به بهداشت کودکان برنامه‌ریزی گردید. در این مجموعه برنامه‌ها، آگاهی‌های لازم و موردنیاز در مورد حاملگی، زایمان و تغذیه از شیر مادران به اطلاع زنان رسانیده شد. در سال ۱۹۹۴ برنامه‌هایی برای بهبود پذیرش بیمار در بیمارستان‌ها طراحی و اجرا شد. در طرح «شهر، بیمارستان» شهروندان متمکن تشویق می‌شدند که هر کدام، هزینه بیمارستانی و درمان یک بیمار مستمند را عهده‌دار شوند و تسهیلاتی نیز برای اسکان خانواده‌های بیماران بستری‌شده در اختیار خانواده‌ها قرار داده شد. نوجوانان بستری‌شده نیز تحت حمایت و مراقبت روان‌شناسان قرار گرفتند تا عبور از وضعیت بحرانی برای آنان تسهیل شود.

در سال ۱۹۹۹ بودجه اختصاصی کمک به بیماران ایدز برای برقراری ارتباط آنان با جامعه و نیز کمک در تهیه داروهای ضروری، مبلغ چهار و نیم میلیون فرانک بود. به سازمان‌هایی که داوطلبانه به این بیماران کمک می‌کردند یارانه‌هایی تعلق گرفت. امکانات ورزشی از قبیل اسکی، تیراندازی، دوچرخه‌سواری، شنا و گلف برای کودکان بستری‌شده فراهم شد. به طرح‌هایی که جهت کاهش درد بیماران مطالعه می‌کردند کمک‌هایی اعطا شد. بیش از پنج میلیون فرانک برای کمک به بیماران لاعلاج و همراه نمودن یک همراه برای واپسین ایام آنها هزینه شد. بنیاد بنا دارد در سال ۲۰۰۱ سمیناری در این زمینه برگزار کرده و به جمع‌بندی نتایج این طرح بپردازد. حدود شش میلیون فرانک

برای بهداشت، مراقبت و پیشگیری جوانان هزینه شد. این برنامه‌ها با همکاری مدارس انجام شد. بخش‌های ویژه‌ای برای رسیدگی به مسأله خودکشی و برای کمک و نجات جوانانی که قصد خودکشی داشتند یا بدان مبادرت کرده بودند شکل گرفت.

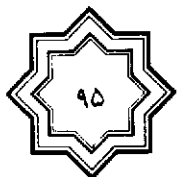
تحقیقات پزشکی و علمی

بخش تحقیقات علمی در سال ۱۹۷۳ شروع شد و در سال ۱۹۸۰ به «تحقیقات و سلامتی همگانی» تغییر نام داد. در ابتدا به طرحی کمک کرد تا از متخصصان خارجی دعوت شود برای تبادل و انتقال معلومات به محققان فرانسوی برای یک دوره پنج و سپس دو و سه‌ساله که یک بار قابل تمدید بود، به فرانسه بیایند. اولین متخصصی که در سال ۱۹۷۳ دعوت شد، پرفسور رپاپورت سرطان‌شناس امریکایی بود. سال بعد تحقیقات بیولوژیکی آغاز شد و سپس تحقیق در مورد سیستم عصبی انجام گرفت.

از سال ۱۹۷۴ همه ساله یک جایزه علمی به محققانی داده می‌شد که بتواند پیامش را به بهترین شیوه به گوش جهانیان برساند. این جایزه از سال ۱۹۸۵ «جایزه موريس پروس» نامیده شد.

کمک به تجهیزات آزمایشگاه‌های مربوط به تولد اطفال و تحقیقات مرتبط با کروموزوم انجام گرفت. این تحقیقات بنیاد را به این نتیجه رسانید که جهت جلوگیری از رفتارهای ناپه‌نجان کودکان توجه خود را به دو نکته معطوف دارد: در مرحله اول، حل مشکلات مربوط به زایمان‌های مشکل و سپس ایجاد فضای مناسب زندگی خانوادگی بود. زیرا تحقیقات نشان داد که، هم زایمان سخت و هم روابط خشن والدین در منزل، تأثیرات مخربی بر شکل‌گیری شخصیت روانی کودکان دارد. سال ۱۹۸۲ بنیاد در درون خویش بنیاد جدیدی برای کمک به بیماران لوسمی تشکیل داد و به محققان در این زمینه نیز کمک کرد. پس از آن بنیادهای جدید و فعالی برای کمک به بهبود وضعیت درمان و رسیدگی به اوضاع کودکان بیمار و حمایت از تبادل و انتقال تجربیات محققان و پزشکان تشکیل و با برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی و اعطای بورس به محققان و پزشکان خارجی گام‌های مهمی در این زمینه برداشته شد.





ملی را احیا کرده و امکان بازدید علاقه‌مندان را فراهم سازند. ساختمان‌های روستایی قدیمی مرمت شد و به صورت ژیت (GITE) برای اسکان مسافران در آمد.

«بنیاد» طرحی ارائه کرد تا گسیختگی میان هنرمندان و عصرشان برطرف شود. هدف این طرح نزدیک کردن هنر و هنرمند با جامعه بود. واسطه‌هایی به عنوان «سفارش‌دهنده آثار هنری» نقش رابط میان هنرمند و جامعه را ایفا کردند. در این طرح، بنیاد استقلال این واسطه‌ها را تضمین و یا خود نقش واسطه را اجرا کرد. به هر حال واسطه‌ها ناظر حسن اجرای کار هستند. لذا برای نظارت بیشتر بر آثار هنری، بنیاد در شهرستان‌ها نیز شعبه‌های نظارتی مشخص کرد. واسطه‌ها به هنرمندان کمک می‌کنند تا شرایط خلاقیت و آفرینش اثر فراهم گردد. این‌گونه آثار باید بازگوکننده حوادث تاریخی و اجتماعی معاصر باشند که بر زندگی بشر معاصر تأثیر گذاشته است. این آثار، وجدان جمعی معاصر را تشکیل می‌دهند و آفریننده «هنر معاصر» هستند. از سال ۱۹۹۴ بنیاد این واسطه‌ها را برای بازاریابی آثار هنری و گرفتن سفارش به کار گرفت. واسطه‌ها ظرفیت خرید و جذب بازار را مطالعه کرده و هنرمندان را مطلع می‌ساختند که شهرداری و مؤسسات دولتی و خصوصی و یا مشتریان خصوصی چقدر می‌توانند در زمینه آثار آنها سرمایه‌گذاری کنند. یکی دیگر از فعالیت‌های بنیاد در این زمینه، تحقیق در مورد شیوه‌های جدید آموزش تاریخ هنر برای دانش‌آموزان و دانشجویان است.

در سال ۱۹۹۹ بودجه امور فرهنگی بنیاد حدود هشت میلیون فرانک بود. در این سال بخش واسطه‌ها و سفارش‌دهنده‌های آثار هنری تقویت شدند. شهروندان هنردوست، شهرداری‌ها، شرکت‌ها، بازرگانان و منتخبان محلی مردم، به عنوان سفارش‌دهنده‌های اصلی آثار هنری مورد توجه قرار گرفتند و ارتباط آنان با هنرمندان گسترش یافت. بنیاد با اجرای این طرح فرصتی مغتنم برای هنرمندان فراهم کرد تا از کنج کارگاه‌های خود وارد اجتماع شده و با آفرینش آثاری مطابق ذوق سفارش‌دهندگان به آثار خویش روح «معاصر بودن» را تزریق کنند. اتحاد اروپا فرصتی فراهم کرد تا این تلاش‌ها فراتر از مرزهای کشور به سایر نقاط این قاره قدیم سفر کنند. بنیاد با همکاری برخی نویسندگان تلاش کرد تا برخی حوادث مثل نسل‌کشی رواندا برای ثبت

در سال ۱۹۹۹ بودجه این بخش ۲۷ میلیون و هفت صد هزار فرانک بود. سرطان که سبب ۳۰٪ مرگ و میرها در فرانسه است از موضوعات مورد تحقیق بنیاد در این سال‌هاست. در این رابطه به متخصصان و پزشکان بورس‌های تحصیلی و تحقیقی داده می‌شود و در این زمینه بنیاد به پایان‌نامه‌های برتر کمک‌هزینه‌هایی اهدا می‌کند.

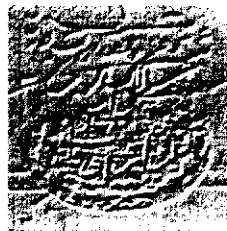
امور فرهنگی

فعالیت‌های فرهنگی بنیاد با اعطای بورس به دو دختر جوان که رهبری یک گروه موسیقی را عهده‌دار بودند، آغاز شد. بنیاد در ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ با تشکیل کنفرانس‌های ادبی و هنری به تشویق، معرفی و قدردانی از هنرمندان پرداخت. سال ۱۹۷۲ با تشکیل یک بخش مخصوص برای «توسعه فرهنگی»، اقدامات فرهنگی خویش را متمرکزتر کرد. سال بعد، حمایت از رسانه‌های سمعی و بصری را در سرلوحه کار خویش قرار داد. به برخی برنامه‌های مفید تلویزیون جوایزی اهدا شد (به عنوان نمونه در سال ۱۹۷۳ به یک برنامه تلویزیونی که برای احیای ارزش‌های علمی، انسانی و تکنیکی تلاش می‌کرد و نیز به آلبرت اولیویه برای یک برنامه مستند هنری جایزه داد). در سال ۱۹۸۶ نیز به تأسیس موزه سینما در پاریس کمک شد.

اهدای جایزه به کتب، بخش دیگری از فعالیت‌های فرهنگی بنیاد است. جایزه پول والرئ به کتبی داده می‌شود که از جهت منبع و ارجاعات غنی باشند. یک جایزه ادبی هنری به آلبوم، کتاب، داستان، رمان و سرگرمی‌هایی که برای نوجوانان مفید باشد تعلق می‌گیرد. بنیاد برای پر کردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان سرمایه‌گذاری و از ایجاد و توسعه کتابخانه‌ها توسط شهرداری‌ها و مدارس و سازمان‌های خصوصی حمایت کرد. بین سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۵ به بیش از ۳۰۰ طرح فعال کردن کتابخانه‌ها کمک شد، بیشتر این طرح‌ها توسط داوطلبان و به شکل خودجوش آغاز شده است.

از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۸ به آثار باستانی و ملی توجه خاصی شد. به کتابخانه ملی برای خرید کتب خطی کمک و از نقاشی‌های قرون وسطی میکروفیلم تهیه شد. «مسابقه آثار ملی» برای قابل استفاده کردن آثار و بناهای ملی برگزار شد. به مالکین این بناها کمک شد تا این بناهای باستانی و





این فاجعه در حافظه تاریخی بشر به صورت آفرینش‌های هنری جاودانه کند.

برنامه‌های بنیاد برای حفظ محیط زیست در سال ۱۹۷۲ آغاز شد. در سال‌های آغازین، مهمترین برنامه بنیاد برای کمک به حفظ محیط زیست، اطلاع‌رسانی همگانی و حساسیت‌آفرینی عمومی بود. بنیاد برای تهیه فیلم‌های حساسیت‌آفرین و جلب حمایت از زیبایی‌های طبیعی، سرمایه‌گذاری کرد. در سال ۱۹۷۲ با کمک صندوق ملی بناهای تاریخی «انجمن ملی فرانسه، فرهنگ، ملاقات و اقامت» تأسیس شد.

در این زمینه برنامه اصلی بنیاد سرمایه‌گذاری کلان نبود بلکه به جای مصرف اموال موقوفه و خیریه در جهت فعالیت‌های مستقیم حفظ زیست، این سرمایه‌ها را در جهت بسیج عمومی شهروندان هزینه کرد. به عبارتی دیگر، هدف اولیه بنیاد، نیروی انسانی و همّت والای بشری، چه به شکل فردی و چه در قالب سازمان‌ها و انجمن‌ها بود. در این راستا برنامه کلی بنیاد در چهار محور خلاصه می‌شد:

- برانگیختن احساس مسؤولیت شهروندی در جهت پی‌ریزی شالوده‌های اولیه روابط متقابل انسان و طبیعت؛
- ایجاد شکل جدیدی از فضای طبیعت که همگام و پاسخگوی نیاز بشر معاصر باشد.
- تشکیل قطب مرجع برای آموزش‌های محیط زیستی؛

- توسعه روستایی مردمی و پایدار در اروپای گسترده. در این زمینه اهداف و فعالیت‌های کوتاه‌مدت زیادی انجام شد. ما نمونه‌هایی از این فعالیت‌های مقطعی را یادآوری می‌کنیم. برای حفظ حرفه‌ها و بناهای سنتی تلاش گسترده‌ای صورت گرفت (مثل برگزاری مسابقه و اهدای جایزه برای نانوایی‌هایی که بنای سنتی و ابزار حرفه‌ای قدیمی را حفظ کنند و فرانسه قدیم را به نمایش گذارند). با همکاری تلویزیون مسابقه‌ای برای دانش‌آموزان برگزار شد که فیلمی با صداگذاری در طبیعت برای هارمونی طبیعت بسازند. در همین رابطه با همکاری «اتحادیه مراکز تفریحی ایام تعطیلات» مسابقه دیگری با عنوان «ارزش جوانان» برای نوجوانانی که تعطیلات را در مراکز تفریحی می‌گذرانند ساخته شد که با نگرشی به حوادث روستا یا سنن زندگی آنان و اختراعات و ابتکارات روستائیشان تهیه شده بود.

مسابقه‌ای نیز در زمینه عکاسی با همکاری شرکت کداک و هواپیمایی فرانسه و جت‌تور در مورد مناطق کرانه‌ای برگزار شد.

بنیاد تلاش کرد تا راه‌حلی‌هایی به شهرهای مختلف ارایه بدهد تا بتواند با حفظ ویژگی‌های طبیعی و سنتی بر مشکلات صنعتی و اقتصادی غلبه پیدا کنند. در این زمینه بین سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۵ برای شهرهای کمتر از ده‌هزار سکنه که با حفظ محیط زیست رشد اقتصادی داشته‌اند مسابقه‌ای با عنوان «توسعه و هماهنگی شهرهای کوچک» برگزار شد. در سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ برای شهرهای تا بیست‌هزار نفر که در کنار حل مشکلات صنعتی توانسته باشند با سالم نگاه‌داشتن محیط زیست در صنعت جذب گردشگران فعالیت داشته باشند با عنوان «مناطق ساحلی و کرانه‌ای» مسابقه‌ای برگزار شد.

از فعالیت‌های دیگر بنیاد توجه به حل مشکلات متفاوت بچه‌ها در زندگی روستایی و شهری و هماهنگی آنان با طبیعت پیرامون خویش بود. سال ۱۹۷۹ با طرح پروژه «بچه‌ها در شهر» به محله‌ها و شهرداری‌ها کمک‌های آموزشی و عملی لازم داده شد تا در شهرسازی فضای مورد نیاز بچه‌ها فراهم شود. مسابقه «بچه‌ها، شهرها، روستاها» برای جلب توجه منتخبین شوراهای محلی و مسایل مربوط به فضای مورد نیاز بچه‌های شهری و روستایی برگزار شد.

می‌دانیم که یکی از مشکلات امروز بشر، ایجاد هماهنگی میان سیمان و آجر، و آهن با طبیعت است. بنیاد در سال ۱۹۷۴ با اجرای یک برنامه ده‌ساله تلاش کرد تا مطالعات فنی و اجتماعی لازم برای ساختن ساختمان‌های محکم و ایمن روستایی به وسیله مصالح ساختمانی طبیعی روستاها انجام پذیرد. این پروژه «ساختمان کشاورزی و روستایی» نامیده شد. بنیاد، کمیته‌ای از گروه‌های مطالعاتی مابین وزارتخانه‌های مربوط تشکیل داد. فعالیت این گروه‌ها عبارت بود از: ایجاد شغل برای معماران روستایی، کمک به اشتغال روستایی، کمک به همکاری معماران و مهندسين و کارشناسان چوب، کارآموزی و بازارآموزی متخصصان معماری، طرح‌ریزی معماری جدید روستایی، تشویق به کارگیری چوب در ساختمان‌های روستایی، پیگیری تحقیقات مربوطه و انتشار گزارش‌های آن. بنیاد در سال ۱۹۸۲ فعالیت‌های خود را کاهش داد و از برنامه‌های





حامی محیط زیست تشکیل گردید. باغ برانفر که تحت مالکیت اختصاصی بنیاد در آمد با همکاری بنیاد خیریه نیکلا هولت، محل اختصاصی آموزش‌های مربوط به محیط زیست شد. در این پارک مرکز و قطبی برای آموزش‌های محیط زیست در منطقه در نظر گرفته شده است که در سال ۲۰۰۲ به ثمر خواهد نشست. بنیاد از سال ۱۹۹۶ با بنیادها و سازمان‌های محیط زیست خارج از فرانسه همکاری کرد. این همکاری‌ها غالباً در اروپا بود، اسپانیا، ایرلند، اسلونی و مجارستان از جمله کشورهای اروپایی بودند که بنیاد با سازمان‌های محلی آنها همکاری کرد. تلاش شد تا گفت و گوی مناسب‌تری میان سازمان‌های محیط زیست و نهادهای دولتی برقرار شود.

در سال ۱۹۹۷ در منطقه بروتان فرانسه فعالیت‌های مشترکی با نهادهای محلی برای حمایت بهینه از محیط زیست صورت گرفت. سپس در سال ۲۰۰۰ این فعالیت‌ها به مناطق دیگر نیز گسترش یافت. در این فعالیت‌ها تلاش شد تا فضا، آب، خاک و منابع طبیعی دیگر مورد استفاده مناسب‌تر قرار گیرند. گروه‌های مختلف مرتبط با طبیعت مثل کشاورزان، ماهیگیران، شکارچیان، جهانگردان، کوهنوردان، مدافعان محیط زیست، طبیعت‌شناسان و متخصصان دیگر و سازمان‌های مربوطه با اهداف متفاوت به همکاری مداوم فراخوانده شدند. از جهت مالی، بنیاد به طرح‌هایی که برای ارزشیابی طبیعت است کمک کرد. در سال ۲۰۰۱ تلاش دارد که این فعالیت‌ها را گسترش داده و شبکه‌هایی برای همکاری میان کسانی که با طبیعت سر و کار دارند ایجاد شود.

از آخرین پروژه‌های بنیاد، حمایت از توسعه باغ‌داری مشترک و ایجاد باغچه‌هایی با همکاری شهروندان است. برخی از این باغچه‌ها در حومه شهرها قرار دارد و شهروندان پس از کار در محیط اداری یا صنعتی شهر، ساعات فراغت را به این گوشه‌های خلوت دنج پناه می‌برند و چون این باغچه‌ها به صورت قطعاتی کوچک در اجاره آنان قرار دارد احساس مالکیت می‌کنند و رابطه‌ای مستقیم با این قطعه از طبیعت ایجاد می‌کنند. در سال ۱۹۹۹ پنجاه طرح در این زمینه توسط بنیاد حمایت شدند. بعداً این فعالیت‌ها به شکل شبکه‌ای ملی گسترش یافت و شهروندان ضمن تبادل اطلاعات از آخرین دستاوردهای باغ‌داری آگاه می‌شدند.

"B.A.P." حمایت کرد و دو سال بعد به فعالیت خویش در این زمینه خاتمه داد.

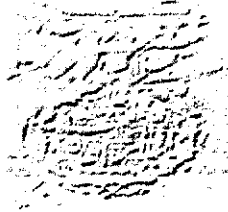
بنیاد در مورد محیط زیست، فقط به حفظ محیط زیست فرانسه نمی‌اندیشد، بلکه فعالیت‌هایی در برخی کشورهای جهان سوم نیز انجام می‌دهد. به عنوان نمونه می‌توان از فعالیت‌های بنیاد در سال ۱۹۸۹ نام برد. در این سال بنیاد دیسکتی از موزیک محلی ماداگاسکار با نام «موزیک و محیط زیست» تهیه و توزیع کرد. منافع و عایدات آن به نفع جنگل‌های ماداگاسکار هزینه شد. در همین سال به طرح انرژی خورشیدی سنگال کمک کرد. در برخی از کشورهای جهان سوم به احیای مزارع، گاو و گوسفندداری کمک کرد. به فرش‌باف‌های مراکشی نیز کمک‌هایی اختصاص داد.

در سال ۱۹۸۹ بنیاد برنامه‌ای را با عنوان «زمین، منابع طبیعی و اشتغال» با هدف حمایت از اشتغال‌زایی مناطق روستایی آغاز کرد. در این برنامه از انجمن‌ها و سازمان‌هایی که در مناطق محروم با استفاده از امکانات محلی و طبیعی موجب تولید اشتغال شوند، حمایت کرد. پروژه‌های زیادی مطرح شد و کمیته مربوطه پروژه‌هایی را که از حمایت و پشتیبانی مقامات محلی برخوردار بودند، در اولویت قرار داد. در نهایت ۳۵ پروژه پذیرفته شد. در این مورد می‌توان از طرح حمایت از شرکت تعاونی بهره‌برداری از چوب پنبه در مناطق پی‌رنه فرانسه، و طرح استفاده از گیاه عرعر در اسانس‌سازی صنعت عطر و ادوکلن نام برد.

پس از آن فراخوانی طرح‌ها شدت یافت. مثل فراخوانی طرح استفاده بهینه از ماشین در چیدن محصولات کشاورزی، تولید اسانس‌های جدید معطر، قابل استفاده کردن زمین‌های غیرقابل استفاده. در سال ۱۹۹۱ پس از بررسی گروه‌های مربوطه، از میان پرونده‌های نامزدها و طرح‌ها، ۲۷۰ طرح پذیرفته شد و ۶۴ طرح رد شد.

سال ۱۹۹۳ پروژه «محیط زیست» و چند حرکت روزانه برای تهیه و توزیع ابزار آموزش محیط زیست آغاز به کار کرد، در این طرح تلاش شد تا به جوانان آموخته شود که آنان نیز با چند حرکت روزانه می‌توانند نقش مهمی در حفظ محیط زیست ایفا کنند. سال ۱۹۹۴ ابزارهای کمک‌آموزشی محیط زیست برای اطفال، به مقدار وسیعی تهیه و بین آنان توزیع شد. از طرح بازیافت زباله‌ها حمایت و شبکه متخصصان اکولوژی برای حمایت از سازمان‌های





بنیاد امیدوار است از طریق این طرح‌ها به بخش فراموش شده بشری توجه کند. زیرا بشر امروز ضمن کار و تلاش در محیط‌های تصنعی، در فضایی از آسمان خراش‌ها زندگی می‌کند که کمتر طبیعی هستند و کمتر با طبیعت سر و کار دارند، این باغچه‌ها از یکسو انسان را با طبیعت مرتبط می‌سازد و از سوی دیگر فضای شهرها را که با آجر و آهن و سیمان شکل گرفته است با فضای سبز و زنده طبیعت متصل می‌سازد.

این مختصری از فعالیت یک بنیاد وقف و امورخیریه بود. دیدیم که تلاش‌های این «بنیاد» فراتر از چهارچوب‌های سنتی امورخیریه بود، و مطمئناً یکی از رموز موفقیتش همین «به‌روز بودن» است. اگر این بنیاد فقط به شستن قبرهای اموات و آبادانی قبرستان‌ها و یا احیاناً به روشن کردن شمع در کلیساها اکتفا می‌کرد آیا به چنین موفقیت‌هایی دست می‌یافت؟ و آیا نسل جدید حاضر می‌شد در این زمینه سرمایه‌گذاری کند؟ امروزه غرب، دنیای اموات نیست بلکه جهان زندگان است در غرب آنهایی موفق هستند که زنده باشند و بخواهند زنده بمانند. واقفان می‌خواهند خود زنده بمانند، اموالشان زنده بماند، و با زنده ماندن اموال، خود نیز به زندگی معنوی خویش ادامه دهند. ولی با نذر شمع برای کلیسا و یا وقف و حبس زمین‌های آباد برای اربابان کلیسا نه تنها احساس زنده ماندن ندارند بلکه گمان دارند خود همراه با اموالشان می‌میرند. وقفی زنده می‌ماند که برای «زندگی» و برای «خوب زندگی کردن» باشد. شاید شما نیز طرح‌هایتان زنده و جوان باشد. شاید شما هم پس از مطالعه این گزارش همراه با نگارنده آرزوی زنده ماندن موقوفات وطن را داشته باشید.

پانویس‌ها:

۱. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که نهاد حقوقی وقف به شکل وقف شرعی که در اسلام مرسوم است در حقوق غرب وجود ندارد. مخصوصاً آنکه برخی از فقها در وقف شرط می‌دانند که لیله (برای خدا) باشد. اگر برای خدا بودن را یکی از شروط وقف بدانیم مسلماً امروز در حقوق غربی وقف بدین معنا وجود ندارد. اما دلیل فاطمی برای اشتراط نیت خدایی در وقف نیست، آنچه که در نیت وقف از جهت حقوق مطرح است همان نیت تحبیس الاصل و تسبیل المنفعة است. در فقه نیت خدایی داشتن، در رابطه با ثواب و اجر اخروی وقف، شرط شده است (حتی کسانی که نیت خدایی ندارند اگر چه از اجر معنوی وقف شرعی محروم هستند اما همین نفس عمل خیر، به گمان برخی از دانشمندان اسلامی، خود بی‌پاداش نخواهد

مانند). خلاصه آنکه در حقوق موضوعه، نیت خدایی داشتن شرط نشده است. بنابراین «تحبیس الاصل» و «تسبیل المنفعة» دو رکن اساسی وقف محسوب می‌شود. این دو رکن در بنیادها و فونداسیون‌های غربی وجود دارد. البته در برخی از این بنیادها، اموال همه‌ای و هدایا نیز در راه‌های خیریه هزینه می‌شود، ولی قاعده کلی این است که اموال محبوس می‌شوند و منافع آنها برای امورخیریه هزینه می‌شود. این «بنیاد» همان ترجمان امروزی «وقف» است. اگر چه به دلیل اختلاف‌های مبانی سیستم حقوق اسلامی و حقوق غربی، نهاد وقف در اسلام و در غرب کاملاً یک شکل نیستند و هر کدام ویژگی خاص خویش را داشته و در چهارچوب اصول نهادین همان سیستم قابل تفسیر و توضیح هستند. لذا در ترجمه فونداسیون ترجیح داده می‌شود که آن را به «بنیاد وقف و امورخیریه» ترجمه کنیم (ر.ک: فرشتیان، حسن، «وقف در حقوق فرانسه»، میراث جاویدان، صص ۶۸-۷۵، ش ۸، تابستان ۱۳۷۶).

۲. در زمان تهیه این مقاله (نیمه اول سال ۲۰۰۱ میلادی)، آخرین امر منتشره مربوط به عملکرد سال ۱۹۹۹ بنیاد است.

منابع

1. Bulletin de Fondation de France, Le mécénat des donateurs 1999.
2. Bulletin de Fondation de France, Une fondation au service du mécénat, 1999.
3. Pavillon Emmanuelle, La Fondation de France: 1969-1994, No 259-288, Antropos, 1995, Paris, 315 pages.



پرتال جامع علوم انسانی

